درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری 22 فروردین1395

22/ 01/ 95 ارث قاتل خطائی از دیه

بسم الله الرحمن الرحیم و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطاهرین

ادامۀ بحث ارث قاتل خطا از دیه

بحث در مورد ارث قاتل خطا از دیه بود. همانطوری که در جلسۀ گذشته گفته شد عمدۀ بحث نحوۀ سنجش و ارتباط بین روایات است. یک دسته روایاتی است که دال بر این است که قاتل از دیه ارث نمی برد. از جمله این دسته روایاتی بود که ارث را برای زوجین ما لم یقتل احدهما صاحبه ثابت می دانست که اطلاق دارد. و یک روایت ابی عبیده بود که در جلسۀ گذشته به آن پرداختیم به این تعبیر عن امراه شربت دواء و هی حامل و لم یعلم بذلک زوجها فالقت ولدها. و با توجه به قرائنی این روایت مختص به عمد دانستیم. **قرینۀ اول:** بعضی از نقل های روایت تصریح به عمد دارد لتطرح ولدها دارد. **قرینۀ دوم:** عبارت لم یعلم بذلک زوجها **قرینۀ سوم:** اینکه شرب دواء بصورت اتفاقی باعث سقط شود صورت نادر است که معمولا در سؤال درج می شود و عدم درج در سؤال کاشف از این است که این صورت نادر مراد نیست. و در کلمات فقها و روایات دیگر عین همین تعبیر وارد شده و از آن ارادۀ عمد شده است. یکی روایت طلحه بن زید عن جعفر بن محمد عن ابیه علیه السلام فی امراه حبلی شربت دواء فاسقطت قال تکفر عنه. و ثبوت کفاره نشانگر این است که گناهی مرتکب شده است و عمدی بوده است[[1]](#footnote-1). و در بعضی تعبیرات فقهاء از حکمی که بر صورت مسأله حمل کرده اند معلوم است که عمد را اراده کرده اند. به عنوان مثال در مقنعۀ شیخ مفید صفحۀ 781 این عبارت آمده: اذا زنت المراه فحملت و شربت دواء فاسقطت اقیم علیها حد الزانی و عزرها الحاکم علی جنایتها بسقوط الحمل حسب ما یراه من المصلحه. هم حد زانی بر او جاری می شود هم نسبت به جنایتی که انجام داده است حد ندارد ولی تعزیر می شود. همانطور که می بینید هیچگونه قیدی در مورد عمدی بودن آن نیامده است و به طور متعارف داعی شرب دواء برای زنی که زنا می کند و حامله می شود پوشاندن گناهی است که مرتکب شده است. بنابراین همانطور که مرحوم نراقی فرموده اند این روایت مختص به قتل عمد است.

بحث استطرادی( تزاحم بین حفظ مادر یا جنین)

البته قتل جنین اگر عمدی هم باشد قصاص ندارد و فقط دیه ثابت است. و به تناسب مسأله ای مطرح است؛ اگر خانمی از ترس اینکه ماندن جنین برایش ضرر جانی دارد آیا می تواند بچه را سقط کند یا خیر؟ یک تقریب این است که جائز نیست به این بیان که این زن دو تکلیف بر گردنش وجود دارد یکی حفظ نفس و دیگری حرمت قتل نفس. و حرمت قتل نفس بالاتر از حفظ نفس است مثل صورتی که برای حفظ نفس خودش دیگری را بکشد که جائز نیست و در مورد تقیه هم همینگونه است که فاذا بلغ الدم فلا تقیه. و از نظر عقلائی هم اهمیت حفظ نفس به اندازۀ قتل نفس نیست. تقریب دیگر این است که جائز است. به این بیان که قتل جنین قصاص ندارد و از این حکم استفاده می شود که حرمت آن به اندازۀ حرمت قتل انسان عادی

نیست بنابراین نمی توان احراز کرد که قتل جنین مثل قتل انسان عادی است که نتوان به خاطر حفظ خود آن را مرتکب شد. لذا مخیر است که جنین را سقط کند. و نقل شده از مرحوم امام که ایشان در پاسخ بعضی اقوامشان فتوا نداده بودند و احتمالا جائز نمی دانستند ولی اظهار نکرده اند.

عمده بحث در نحوۀ جمع بین روایات است. به دو شکل می توان نسبت سنجی بین روایات را بیان کرد. **شکل اول:** اینکه بین دو دسته روایات یعنی روایات **القاتل خطا یرث** که روایت عبدالله سنان و غیر آن بود. و روایات **القاتل لایرث من الترکه** که روایت های زوجین بود نسبت سنجی کنیم. آنچه در نظر بدوی از نسبت بین این دو دسته روایت به ذهن می رسد این است که نسبت این روایات عموم و خصوص من وجه است. چون روایت القاتل خطا یرث اعم از ارث از دیه و غیر آن است و روایت القاتل لایرث من الترکه هم اعم از قتل خطا و عمد است. و نسبت به موردی که خطا و ارث از دیه باشد محل اجتماع دو دلیل است. اما مرحوم صاحب ریاض همانطور که در جلسۀ گذشته ذکر شد روایات القاتل خطا یرث را شامل دیه نمی دانند چونکه روایات منصرف به ترکه است و دیه جزو ترکه نیست[[2]](#footnote-2). و مرحوم نراقی در مستند پاسخ از کلام صاحب ریاض داده اند که ما به تنهائی به این روایات تمسک نمی کنیم بلکه به ضمیمه روایاتی که گفته دیه حکم سایر اموال را دارد روایت القاتل یرث عمومیت پیدا می کند[[3]](#footnote-3). بنابراین نسبت عموم و خصوص من وجه می شود و باید مجمع العنوانین دو دلیل را به یکی از دو دلیل بدهیم. مرحوم صاحب جواهر نیز بحث دقیقی راجع به اینکه باید اطلاق دلیل القاتل لایرث من الدیه را اخذ کرد انجام داده اند. و چند وجه برای اثبات آن ذکر کرده اند که در جلسۀ آینده به آن ها خواهیم پرداخت.

**شکل دوم:** اگر ظهور روایات **القاتل خطا یرث** را نسبت به دیه قبول نکنیم به نظر می رسد باید نسبت بین روایات القاتل لایرث من الدیه سواء کان قتل عمد أو خطأ و روایاتی که گفته الدیه یرثها من یرث الترکه[[4]](#footnote-4) را مستقیما در نظر بگیریم نه اینکه مثل مرحوم نراقی روایات القاتل یرث را به وسیلۀ این دسته از روایات تعمیم بدهیم. و با این فرض به نظر این شکل نسبت سنجی صحیح است و اگر روایات الدیه یرثها من یرث الترکه اطلاق نداشته باشد و شامل قاتل خطا نشود دیگر حکومت پیدا نمی کند یعنی در رتبۀ متقدم تعارض بین این دو روایت فرض می شود و اگر در این رتبه تعارض را حل کردیم و گفتیم که این روایات (الدیه یرثها من یرث الترکه) قاتل خطا را شامل نمی شود نوبت به نحوۀ نسبت سنجی اول نمی رسد و همچنین اگر اطلاق و شمول این روایت نسبت به قتل خطا ثابت شد رفع تعارض می شود[[5]](#footnote-5).

نسبت بین این دو دسته روایت عموم و خصوص من وجه است روایت القاتل لایرث من الدیه شامل قتل خطا و عمد می شود و روایت الدیه یرثها من یرث الترکه شامل قاتل خطا و غیر قاتل می شود (قاتل عمد خارج از این روایت است) لذا ارث قاتل خطا از دیه، مجمع دو عنوان است. اما در سنجش بین این دو دسته روایت به نظر می رسد روایت القاتل لایرث من الدیه اظهر از روایات دستۀ دیگر است. به این جهت که ظهور روایت القاتل لایرث من الدیه در قتل خطا، از چند جهت قوی تر از دستۀ دیگر است. **جهت اول**: قاتل بنابر تقسیم

ثنائی دو فرد (عمد و خطا) دارد که قتل خطا هم اعم از خطای محض و شبه عمد است. بنابراین سه عنوان وجود دارد. و اینکه دو عنوان خطا و شبه عمد از تحت این دلیل خارج شود مستبعد است و همچنین از لحاظ خارجی هم مصادیق قتل خطا و شبه عمد بسیار بیشتر از قتل های عمدی است. **جهت دوم**: اینکه روایتی که زوجین را از ارث دیه محروم می داند موضوعش دیه است و از این جهت که در قتل خطا و شبه عمد مستقیما دیه به گردن می آید اما در قتل عمد در مرحلۀ اول قصاص است و اگر بخشیدند دیه به گردن می آید ظهور دیه در قتل خطا و شبه عمد بیشتر است و اینکه روایت را تخصیص به موردی زده شود که دیه غیر مستقیم و در مرحلۀ دوم به گردن می آید بسیار مستبعد است[[6]](#footnote-6). بنابراین این روایت شامل خطا هم می باشد. اما در روایت دستۀ دیگر یعنی الدیه یرثها من یرث الترکه اینکه وارث ترکه قاتل خطا باشد فرض بسیار نادری است. و خروج فرض نادر از تحت دلیل راحت است و خروج قتل خطا از تحت این دلیل نسبت به روایت القاتل لایرث من الدیه که حداقل نیمی از افراد دلیل را شامل شده بسیار راحت است. و لذا این دلیل در شمولش نسبت به قتل خطا اظهر از دلیل دیگر است. و اظهریت برای جمع بین دو روایت کفایت می کند و برای جمع عرفی اطمینان معتبر نیست. و اینکه حاج آقا متمایل به انسداد هستند به خاطر این است که در جمع عرفی ذاتا اطمینان را معتبر می دانند و چون جمع های عرفی اطمینان بخش نیست انسداد شکل می گیرد. البته ما قائل به انسداد صغیر در خصوص جمع عرفی هستیم و لازمه اش این است که در خصوص جمع عرفی ظن کفایت کند بنابراین اظهریت کافی است. در جلسۀ آینده به کلام صاحب جواهر در نحوۀ جمع بین ادله می پردازیم که فرموده دلیل القاتل لایرث من الدیه شامل قاتل خطا می شود و پنج شش وجه برای ترجیح اطلاق این دلیل نسبت به دلیل القاتل خطا یرث ذکر کرده اند.

1. فقیه جلد 3 صفحه 373 رقم 4309 [↑](#footnote-ref-1)
2. رياض المسائل (ط - القديمة)، ج2، ص: 340 [↑](#footnote-ref-2)
3. مستند الشيعة في أحكام الشريعة، ج19، ص: 46 [↑](#footnote-ref-3)
4. استاد معظم فرمودند که اخوۀ امی استثنا است [↑](#footnote-ref-4)
5. کلام استاد در این قسمت مقداری پیچیدگی داشت مراجعه به صوت دقیقه 19 تا 22 البته استاد معظم در جلسۀ آینده به بیان واضحی از این تقریر می پردازند. [↑](#footnote-ref-5)
6. استاد معظم فرمودند: بحث جدی که مطرح بوده بحث ارث زوجین از دیه یکدیگر است هل للمراه من دیه زوجها شی البته عامه قائل به این هستند که زوج و زوجه از حق قصاص ارث نمی برند چون قصاص لتشفی الارحام است. [↑](#footnote-ref-6)